اسوه نظم و تدبیر

مروری بر حیات پربار
روحانی روشنفکر و مدیر مدبّر
آیت الله میرزا علی اکبر نوقانی
مشهور به میرزای نوقانی
(۱۳۷۰ـ۱۳۰۰ هـ.ق)

غلامرضا جلالی

تبارنامه

آیت الله حاج میرزا علی اکبر نوقانی، فرزند حاج میرزا موسی فرزند میرزا حسن، از مشاهیر علمای مشهد، در دهه های چهارم تاهفتم قرن چهاردهم است. اجداد ایشان در اصل ازایل جلایر، یکی از عشایر ساکن کلات هستند که حدود دویست سال پیش از کلات نادر به مشهد آمدند. مجد الاطبا و حاج میرزا کاظم، عموهای مرحوم میرزای نوقانی بودند که در اوایل قرن چهاردهم هجری از اطبای بنام خراسان محسوب می شدند. جد اعلای ایشان حاج محمد زمان خان بن کلبعلی خان جلایر فرزند محمدزمان خان، طبیبی حاذق و فاضلی کامل بود. و طبع شعری شیوا داشت و اشعار عرفانی می سرود.

دوران جوانی و تحصیلات

مرحوم میرزای نوقانی در آغازین سال سده چهاردهم هجری، یعنی سال ۱۳۰۰ هـ. ق در مشهد مقدّس رضوی درمحله نوقان(نوغان) چشم به جهان گشود و به میرزای نوقانی اشتهار یافت.

میرزا تا ۲۷ سالگی در مشهد به تحصیل دانشهای دینی پرداخت. ادبیات را در مدرسه نواب از محضر میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری، (م: ۱۳۴۴ هـ. ق) فرا گرفت. فقه واصول را نزد حاج شیخ حسنعلی تهرانی(م: ۱۳۲۵ هـ. ق)که یگانه عصر در ورع و تقوی بود فراگرفت و پاره‌ای دیگر از فقه واصول را پس از درگذشت حاج شیخ حسنعلی تهرانی، ازحاج سیدعباس شاهرودی(م: ۱۳۴۱ هـ. ق) از علمای برجسته مشهد آموخت.

میرزا در سال ۱۳۲۷ هـ. ق. سه سال پس از انقلاب مشروطیت، به منظور فراگیری دانشهای دینی، رهسپار نجف شد و دروس خارج فقه واصول را در محضر حضرات آیات: محمدکاظم خراسانی و سیّد محمد کاظم یزدی(م: ۱۳۳۷ هـ. ق)وشریعت اصفهانی(م: ۱۳۳۹ هـ. ق) فرا گرفت، وچند ماه پس از ارتحال آخوند، (م: ۱۳۳۰ هـ. ق) با تکمیل تحصیلات و اخذ اجتهاد از میرزا محمّد تقی شیرازی، مشهور به میرزای دوّم(م: ۱۳۳۸ هـ. ق)و حاج شیخ عبدالله مازندرانی(م: ۱۳۳۰ هـ. ق) به ایران بازگشت و در مشهد به تدریس دروس حوزوی و ارشاد مردم همّت گماشت و چهل سال از عمر خود را در راه تدریس و خدمات

معنوی به مردم خراسان واعتلای فرهنگ این سرزمین صرف کرد.

میرزا دوبار ازدواج کرد. همسر اوّل ایشان، دختر مرحوم شیخ محمّد باقر نوقانی بود که از دوستان نزدیک مرحوم میرزا حبیب الله مجتهد شمرده می شد و پس از وی بخشی از امور دینی شهر را در اختیار گرفت. همسر دوّم میرزا دختر مرحوم سیّد حسین امام، یکی از سادات و علمای متقی مشهد بود. میرزا مهدی نوقانی(۱۳۴۱ - ۱۴۱۳ هـ . ق)فرزند میرزای نوقانی ازاین همسر است.

میرزا پس از بازگشت از عتبات، به جز سال ۱۳۶۶ هـ . ق. که به تهران رفت، سفر دیگری خارج از استان خراسان نداشت. فقط در اواخر عمر، در سال ۱۳۶۸ هـ . ق. برابر با ۱۳۲۸ هـ . ش به مکه مشرف شد. در همین سفر دهه اوّل محرم را در کربلا حضور یافت و در صحن حرم حضرت سیدالشّهداء به منبر رفت و مقتل خواند. علما و مراجع دین، همه در منبر ایشان شرکت می جستند. وی پس از بازگشت از عتبات، شب شنبه دهم جمادی الاول ۱۳۷۰ هـ . ق. برابر با ۲۸ بهمن ۱۳۲۹ هـ . ش. با سکته قلبی در منزل خود واقع در کوچه کنسولگری که امروزه به حسینیه شاهرودیها تبدیل شده است، ساعتی از شب گذشته، در گذشت و در دارالسعادة آستان قدس رضوی دفن شد.

پرهیزکاری و ویژگیهای اخلاقی

میرزای نوقانی، انسانی مؤمن، متعهد، اهل تهجّد، خوش قریحه، شوخ طبع ومهربان بود. اندامی رشید، قیافه ای پرنفوذ داشت و از صدایی رسا و چهره ای پرهیبت برخوردار بود. ساده زندگی می کرد و درمدّت هفتاد سال عمر خود، هرگز ازسهم امام مصرف نکرد. ایشان موقع بازگشت از نجف، حرم حضرت علی مشرف شد و از روح مولای متقیان مدد خواست تا معیشتی خدا پسندانه داشته باشد واز دین ابزاری برای تأمین دنیا نسازد. وقتی به مشهد بازگشت، روزی از بازار عبور می کرد، یکی از کسبه نوشته ای را در اختیار او قرار داد و به او گفت: این وقفنامه را فرزند مجد الاطباء، پسر عموی شما، نزد من گروگذاشته است. مروری به مضمون وقفنامه نشان می داد که سهمی از قریه سیس آباد، از املاك گوهرشاد دختر یونس خان جلایر، مادر کلبعلی خان جلایر، جده مرحوم نوقانی از سال ۱۲۱۰ هـ . ق وقف تعظیم شعائر اسلامی شده است و برابر آن، تولیت موقوفه با اصلح و اورع اولاد

سه مقالهٔ نوقانی

به انضمام احوال واشعار

تالیف:

حضرت آیة الله آقای حاج میرزا علی اکبر نوقانی

ناشر:

مؤسسهٔ مطبوعاتی بورس کتاب

مشهد - فلکه شمالی تلفن ۶۲۶۰

حق طبع محفوظ مخصوص ناشر است

است. میرزا تنها کسی بود که در آن زمان می توانست تولیت موقوفه را که دو سهم از بیست و چهار سهم قریه یاد شده واقع در بلوك تبادکان مشهد است، به عهده گیرد. داشتن راه ارتزاق درست و معیشت مستقل و عدم استفاده از سهم امام، از میرزای نوقانی یک انسان آزاده و منتقد وآینده نگر ساخت.

میرزا خط خوشی داشت و با ارباب ادب آن روز خراسان معاشرت داشت. بیشتر روزهای بهار و تابستان همراه خانواده با دوستان خود در شاندیز، طرقبه، هاشم آباد، ابرده علیا یا ویرانی، از ییلاقهای اطراف مشهد به سر می برد. برخی از مطالعات عرفانی خود را دراین محیطهای طبیعی دنبال می کرد و اشعار نغزی می سرود.

مشرب فکری

میرزا انسانی آگاه به مسائل دینی و مقتضیات زمان خود بود و از تعصبات کاذب و بی اساس پرهیز می کرد. رابطه نزدیکی با میرزا مهدی اصفهانی داشت وهمراه ایشان چندماهی ازمحضر میرزا مهدی آشتیانی، فیلسوف نامدار، که برای مدّتی به مشهد آمده بود و

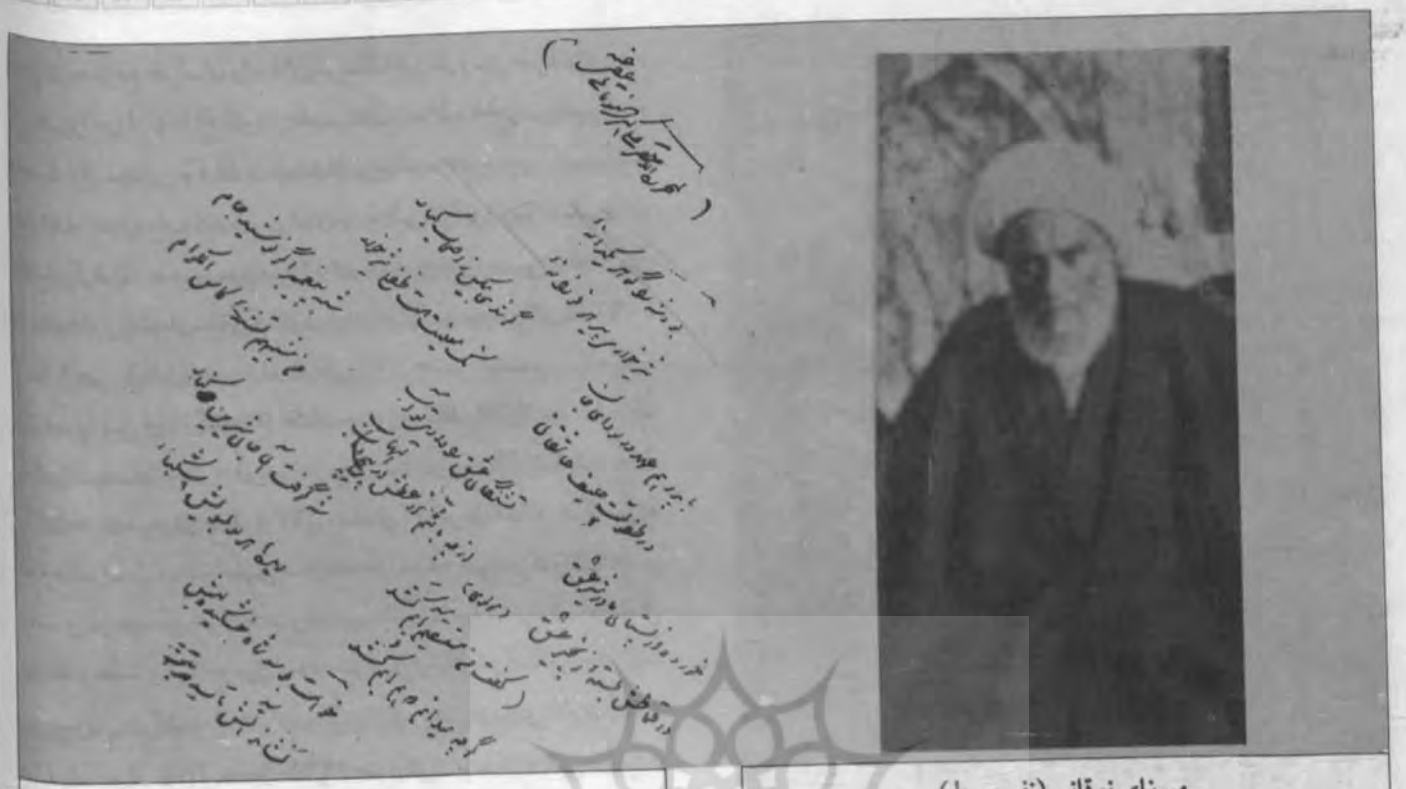

میرزای نوقانی (نفر وسط)

دستخط میرزای نوقانی

فلسفه صدرایی تدریس می کرد، بهره جست.

او با امام خمینی رابطه بسیار دوستانه ای داشت. امام پیش از درگذشت میرزا، وقتی به مشهد می آمد، به بیت ایشان وارد می شد و مکاتباتی نیز داشتند. پس از ارتحال میرزای نوقانی، امام به قصد ابراز تسلیت و دلجویی به مشهد آمد و هفته ای درمنزل فرزندش میرزا مهدی نوقانی به سر برد. افکار میرزای نوقانی به امام بسیار نزدیک بود. او به دعوت شیخ محمدحسین مطهری، پدر شهید مرتضی مطهری، همراه امام خمینی به فریمان رفت.

میرزای نوقانی با مرحوم حاج شیخ عباس قمی و آقای بروجردی و آقا سید جمال الدین گلپایگانی و دیگر علمای برجسته قم و عتبات رابطه نزدیک داشت و مورد اعتماد همه آنان بود. به درخواست حاج شیخ عباس قمی، ایشان مقدمه مفاتیح الجنان را نوشت و در چاپهای اوّل مفاتیح، نام میرزا در پایان مقدمه به چشم می خورد.

همچنین، آقای میلانی در سفر اول خویش به مشهد، به بیت ایشان وارد شده بود ودر مجموع، مورد اعتماد مراجع وبزرگان عصر خویش بود.

قدرت سخنوری

میرزا خطیبی توانمند بود و بابیان دلنشین خود، مردم را متوجه معارف حقّه الهی می کرد. روزهای عاشورا در منزل خود، واقع در محل کنونی تکیه فتّاح خان و پشت قبرستان سراب منبر می رفت. گاهی نیز درمدرسه میرزا جعفر یا مسجد گوهرشاد خطابه ایراد می کرد. منبر ایشان سرشار از اطلاعات تاریخی، اخبار سلف وشامل نکات ادبی، امثال، حکم و پند و اندرز و آمیخته با شعر وادب بود. کسی از سخنان ایشان خسته نمی شد. در پایان منبر از روی یادداشتهای خود مقتل می خواند. منبر ایشان به سبک منبر حاج میرزا حبیب الله خراسانی بود. خود وی می گفت: «در مدّت عمرم منبری به جامعیت وتأثیر منبر مرحوم میرزا حبیب اللّه مجتهد ندیدم.»

آثار قلمی

ازمیرزا چند جلد کتاب و مقداری یادداشتهای پراکنده باقی مانده است: سه مقاله، دومقاله، تعلیقات بر شرح نهج البلاغه

ابن ابی الحدید شرح بخشی از گوهر مراد و مجموعه اشعار و جنگ خطابه از این مجموعه است.

ازآن میان فقطه سه مقاله و مجموعه اشعار به چاپ رسیده است.

دومقاله و سه مقاله هردو در زمینه دین شناسی و دیالوگ با ارباب ادیان و ملل و نحل است.

میرزا، بنا به درخواست برخی از بزرگان، سه مقاله را در نقد و بررسی مقالات ماتریالیستها، مسیحیان و مسلمانان نوشت.

حضور کمونیسم شرق، مسیحیت سازمان یافته غرب، چنین کاری را در آن روزگار می طلبید. بویژه کتاب سه مقاله میرزا بسیار بی طرفانه نوشته شده است و به دور از هرگونه تعصّب و لجاج است. سه مقاله که به صورت مناظره نوشته شده، تاکنون سه نوبت به چاپ رسیده است و در زمان نشر مورد ستایش مجامع علمی قرار گرفت. به درخواست حاج شیخ عبدالکریم حائری، میرزا صد جلد از این کتاب را به قم فرستاد. شیخ عبدالکریم خطاب به فضلای قم گفته بود: اگر خواستید کتاب بنویسید، مثل این بنویسید.

سه مقاله گذشته از شواهدی که برای بیان مقصود از تورات و انجیل آورده یا باورهای گروههای الحادی قرن حاضر را در خود منعکس کرده است، موضوعهای پر اهمیت زیر را در خود جمع کرده است:

تحریف تورات و انجیل، ضرورت دین، ضرورت دین پژوهی، اثبات صانع، عصمت انبیاء، حس گرایی وایمان به غیب، تکامل موجودات و نظریات داروین، بررسی افکار تقی ارانی، وحدت ادیان، مفهوم اقانیم ثلاث، نقش ایمان در زندگی انسان.

سبک سه مقاله، داستانی و گوناگون است و خواننده را تا انتها به دنبال خود می کشاند. این سبک بعدها در کتاب مناظره دکتر و پیر، شهید هاشمی نژاد، دنبال شد و موفقیت چشم گیری به دست آورد. روش هردوی این کتابها ابداعی و درخور ستایش است و با کتابهایی که در زمینه مناظرات دینی به وسیله چهره های برجسته ای چون شیخ مفید، شریف رضی، شیخ جعفر بن قولویه، ابی جمهور احسائی، شیخ حسین بن عبدالصمد حارثی و محقق کرکی نوشته شده است، به کلی فرق می کند. در کتاب سه مقاله مناظره بین ادیان است، نه فرق اسلامی به همین دلیل جنبه رویکرد برونی آن به دین قوی تر است.

مدیریت

میرزای نوقانی به نظم و انضباط توجه تام داشت و می کوشید این خصلت بسیار مهم وحیات آفرین را در حوزه مشهد احیا کند. او از انگشت شمار عالمانی بود که فرصت اعمال مدیریت علمی و تربیت جویندگان معارف دینی را در یکی از حساس ترین مقاطع تاریخ حوزه یافت. ایشان در عصر رضاخان، جزء انگشت شمار روحانیانی بود که حقّ پوشیدن لباس را داشت وهمان زمان از کسانی شمرده می شد که نظارت بر امور طلاب را بر عهده داشتند. برحسب دستور وزارت معارف در ۲۹ فروردین ۱۳۱۲، طلاب موظف شدند در امتحانهایی که از سوی هیأت ممتحنان حوزه با نظارت مستقیم وزارت معارف گرفته می شد، شرکت کنند.

ذوقی، رئیس معارف خراسان، عهده دار گرفتن امتحان از همه طلاب داوطلب در سه سطح: متوسط، عالی و تخصصی شد. به این منظور حاج شیخ علی اکبر نوقانی، همراه میرزا احمد کفایی، شیخ حسن برسی، شیخ عماد فهرستی، فاضل بسطامی، میرزا محمد حسین گرگانی، میرزا حسین سبزواری، حاج شیخ هاشم قزوینی، حاج محقق نوقانی، که همگی از چهره های برجسته حوزه مشهد، در عصر اختناق رضاخانی به شمار می رفتند، ازسوی او به مدرسه فاضلیه جعفریه دعوت شدند، تا هیأت ممتحنه را ازمیان خود انتخاب کنند. ادیب بجنوردی وادیب هروی نیز برای امتحان فارسی و سیدحسین خان آموزگار و برهان آزاد، برای امتحان ریاضیات در نظر گرفته شده بودند.

شمار طلابی که نام خود را ثبت و جواز ورود به جلسه امتحانات را دریافت کردند. ۳۵۹ نفر بودند.

برخورد سازنده و مؤثر مرحوم میرزا و تقوا و پرهیزکاری ستایش برانگیز او در طول حضور خود در حوزه خراسان، سبب شد تا پس از سقوط رضاخان درشهریور ۱۳۲۰ و اعمال فشار حاج آقا حسین قمی جهت گشایش وبازسازی مجدد حوزه، در مهر سال ۱۳۲۳، برابر با ۱۳۶۳ هـ. ق. تصدی امور مدرسه نواب از سوی وزارت فرهنگ و اوقاف، به ایشان واگذار شد وایشان با کسب اجازه از حاج آقا حسین قمی و حاج آقا حسین بروجردی و صدور حکم شرعی ازاین دو مرجع دینی، اقدام به تصدّی امور مدرسه و تربیت طلاب علوم دینی کرد و تا پایان حیات خود، طی مدّت شش سال وچندماه، تولیت مدرسه نواب را بر عهده داشت. دراین مدّت

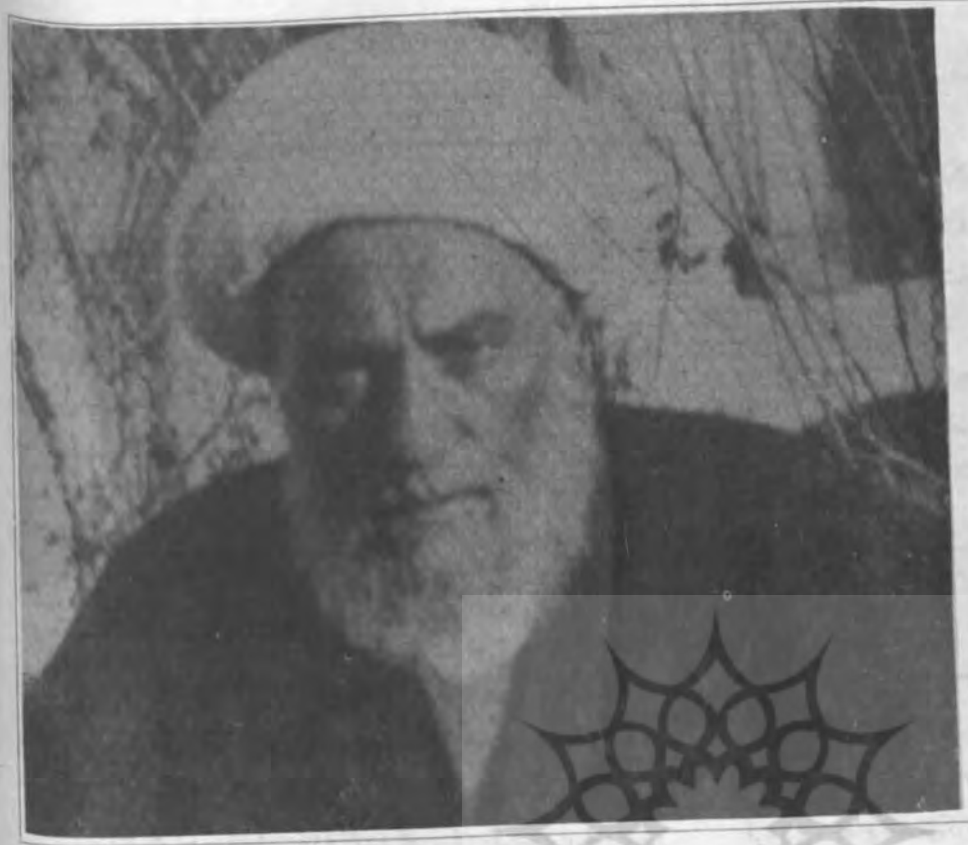

آیت الله میرزا علی اکبر نوقانی

مقرراتی برای مدرسه وضع کرد و اصولی برای تربیت طلاب در نظر گرفت که در تاریخ حوزه مشهد بی نظیر بود.

به نوشته استاد محمدرضا حکیمی:

«او از پروبال دادن به طلبه بی سواد و بی تقوا و روحانی تنبل و بی حاصل، به سختی پرهیز می کرد و می فرمود: طلبه به هر منظوری که درس می خواند (اگر چه برای منبر رفتن یا امامت جماعت یا مسأله گفتن) باید سطح (ادبیات ومنطق و فقه و اصول) را به خوبی بخواند و کفایه را خوب بفهمد و امتحان بدهد، آن گاه وارد کار ترویج شود. برای منبر رفتن و واعظ شدن نیز مقرراتی داشت که اگر همواره رعایت می شد، این نابسامانیهای دردناك درمواردی ازمنبرها و منبریها، دیگر مشاهده نمی گشت.»

میرزای نوقانی، علوم رایج در حوزه را کافی نمی دانست و معتقد بود باید اصلاحاتی درمواد آموزشی صورت گیرد.

او در پاسخ به پرسشها سید حسن تهامی که در مجموعه چهارجلدی وزیری جمع آوری شده است می نویسد:

«بعضی از مدارس به تصرّف محصلین درآمده، لکن ترتیبی در رشته تحصیلات صورت نگرفته و سالهاست فقیر برحسب عقیده، با جناب معظم له موافقم که باید برنامه تحصیلی محصلین، منحصر به فقه و اصول و مقدمات آنها نباشد. امروز باید در علوم معارف الهیه و مناظرات دینی و جواب شبهات فرق ضاله کلیه محصلین وارد شوند، چنانکه در آخر نسخه سه مقاله نوقانی، به عرض رسانیده و در سنه ۱۳۴۹ هـ. ق. سال تألیف به آن تصریح نموده و به قدر وسع در جواب شبهات شبلی شمیل و امثال او نوشته ام»

در زمان مدیریت مرحوم میرزا، شاگردان بسیاری در مدرسه نواب پرورش یافتند. میرزا آنان را پس از اتمام سطح به قم می فرستاد. آقای بروجردی گفته بود:

«طلاب اعزامی مدرسه نواب به قم، نسبت به سایر محصلین در استفادات علمی مستعدتر می باشند.»

میرزا به کتابخانه مدرسه نواب توجه تام داشت. فهرست مخطوطات آن، توسط استاد مدیر شانه چی، یکی از شاگردانش تنظیم یافت.

نسبت به بهره برداری از موقوفات مدرسه نواب مساعی زیادی از طرف ایشان به عمل آمد. درآمد موقوفات در سال ۱۳۲۳ که

تولیت به ایشان واگذار شد، بالغ بر ۱۱۵۰۰۰ ریال بود و با مدیریت ایشان به ۵۲۰۰۰۰ ریال رسید و حقوق مکفی به طلاب داده شد و تعمیرات زیادی در بنای مدرسه معمول گردید.

کوششهای سیاسی

میرزای نوقانی، چنانکه اهل دیانت بود، اهل سیاست نیز بود. ایشان دوره مشروطه را درك کرده بود و در محضر چهره‌های برجسته‌ای چون آخوند خراسانی و میرزای دوّم تلمّذ کرده بود و از رویدادهای سیاسی جامعه خود بی خبر نبود.

پس از بازگشت از عتبات واتمام تحصیلات خضور فعالی درصحنه سیاسی جامعه خود داشت. درجریان خونین گوهرشاد شرکت داشت. در یادادشتهای ایشان درماده تاریخ سقوط رضاخان سال (۱۳۶۰ هـ . ق) چنین آمده است:

تاریخ سرنگون شدن جاه پهلوی
خودنام نحس اوست رضا شاه پهلوی

میرزا در برابر تفکرات الحادی و اندیشه های وارداتی ایستاد. او انحلال فرهنگی جامعه را مصیبت بار می دانست. در میان یادداشتهای خصوصی میرزا، نکاتی علیه «حزب ایران نو» به چشم می خورد. او لامذهبی را که از سوی این حزب ترویج می شد، به زیان مملکت می دانست.

میرزا در این رابطه می نویسد:

«متجددین فاقد دین دشمن بزرگ مملکت هستند، دشمن بزرگ عساکر و قشون اسلامند، به جهت آن که قشون وقتی بی عقیده شدند، برای شش تومان مواجب کار نمی کنند. بعد ازکشته شدن، «مادر وطن» به حال او چه منفعت دارد؟ لامذهب بی علاقه به دیانت وارد فلان حزب می شود، برای پول و منفعت دنیا، چون عقیده ندارد. اگر کسی صدتومان اضافه به او داد، فوراً نقشه مرام خود را عوض می کند، امّا کسانی که مرام آنها قرآن و مذهب اسلام است، هرگز عوض نمی شوند.»

میرزا روشنفکران خودباخته در برابر فرهنگ غرب را مخاطب ساخته و می نویسد:

«جهل و نادانی تو این است که طریقه ای ازخود نداری:

ماند احوالت بدان طرفه مگس
کو همی پنداشت خود هست کس

خودشان را معین ترقی مملکت می دانند، علما و دیانت را مانع ترقی می دانند. کی خواستند راه آهن بکشند که علما مانع شدند؟ خدا در قرآن یک آیه نازل کرده اگر عمل کنند، ترقی فرق تمام ملل حاصل شود:

واعدّوا لهم مااستطعتم من قوّة... معیار ترقی مملکت به صابون عطردار و تدارك لباس خارجی ازمال فقرا و ضعفا و صرف امکانات کشور برای نگهداری توله سگ و به داشتن فکل وصرف الکل نیست.»

میرزا افکار آزاد اندیشانه ای داشت و مبارزه علیه استعمار انگلیس و آمریکا را ضروری می دانست. ایشان در آخرین سال حیات خود در جریان درگذشت یکی از مردمان مؤمن مشهدی در بیمارستان آمریکاییها، درمنبر به مسؤولین این بیمارستان تاخت و تهرانی، استاندار وقت خراسان را به باد انتقاد گرفت.

اشعار میرزا

میرزای نوقانی جان سوخته بود. طبعی روان و ذوقی عارفانه داشت. گاهی شعر می سرود و «فقیر» تخلّص می کرد. اشعارش متوجه مضامین عرفانی و دینی بود. مکاتباتی هم با بعضی از دوستان نزدیک خود داشت. بخشی از اشعار ایشان در آخرین بخش «سه مقاله نوقانی» به چاپ رسیده است.

میرزا به خاندان عصمت عشق می ورزید و برای تجلیل از قیام انسان ساز و احیاگر امام حسین(ع) همه ساله دهه عاشورا به منبر می رفت و مقتل می خواند واین رسم، ۸۰ سال است در خاندان ایشان ادامه یافته است.

میرزا اشعار جانسوزی در رثای حسین(ع) و یارانش سروده است.

مرحوم میرزا در یک مثنوی بلند، همه رویداد کربلا را همانند تابلوی تکان دهنده، بمانند یک هنرمند بزرگ به تصویر کشیده است.

شوق دیدار خداوند ودود
شاه را بر بود در بزم شهود
شد روان از خیمه سوی قتلگاه
همعنانش بود خیل اشک و آه
شه بمنزلگاه جانان می رود
یاز جسم زینبش جان می رود.

عشق حقّ او را کشد سوی جنان
کودکانش در قفا با صد فغان
شد سوار باد پا، سالار عشق
زد رکاب مرکب رهوار عشق
کی براق عشق بشتاب و ببر
سوی مشتاقان ما از ماخبر

میرزا این مثنوی را دراواخر محرم سال ۱۳۴۶ هـ. ق. سروده است.

میرزا در استقبال از غزل مولانا رومی «با قدسیان آسمان من هرشبی یا هو زنم»، در مدح حضرت مهدی چنین تغزل کرده است.

من مست جام وحدتم بنگر چسان یاهو زنم
آفاق زیر پانهم پس دم ز الأ هو زنم
با لشکر روحانیان درکشور جسمانیان
قلب و جناح از هم درم برفرق و بر بازو زنم
عنقای قاف عزلتم از خلق اندر وحشتم
چون بال بگشایم زهم بر باز و بر تیهو زنم
ای ساربان ای ساربان لختی فروتر کش عنان
بگذار تا از این میان خرگه به طرف جو زنم
ای سالکان ای سالکان آگه شوید از مالکان
زین سو بگردانید ره تا خیمه دیگر سو زنم
این راه باشد پرخطر، چون بگذرم این المفر
بی هادی و بی راهبر فریاد لاتلقوا زنم
وین رهروان بی محل، هریک فتاده در وحل
سرگرم لاتبدوا هبل من لیس الأ هو زنم
رهبر دراین ره منحصر در پیشوای مقتدر
در راه هستم منتظر کو جویم و وکوکو زنم
سودای عشقش بر سرم از فرقتش در آذرم
زنجیر از پا بردرم آن گه کمند از مو زنم
باآفتاب روی او با سنبل گیسوی او
با تیغ آتش خوی او بر چرخ من پهلو زنم
شاها امیری رهبری دانم رعیت پروری
گربر فقیرت بنگری بر نه فلک اردو زنم